



شبکه‌های اجتماعی به مثابه حوزه عمومی: تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در ایران

- محسن نیازی^۱
- سجاد سرحدی^۲
- سجاد مرادی^۳
- راضیه شاهرودی^۴

چکیده:

فضای مجازی را می‌توان عرصه‌ای پیچیده از روابط انسانی در تمامی ابعاد و لایه‌های دانست که در عصر مدرن، در میان جهان اجتماعی کنشگران ظهور نموده و تا حدی نیز جای خود را در جامعه ایران باز کرده است. این فضای ایجاد شده انسانی دارای سطوح و کارکردهای گوناگونی است که درخور تأمل، اندیشه‌ورزی و تبیین علمی است. بر این مبنا، هدف اساسی این مقاله، بررسی انتقادی مباحث مرتبط با پژوهش‌های علمی است که ذیل عنوان ارتباط بین نسبت شبکه‌های اجتماعی و ایده حوزه عمومی در معنای هابرماسی کلمه نگارش شده‌اند. روش پژوهش حاضر تحلیل متن است. متونی که مورد تحلیل قرار گرفتند و حجم نمونه، نه کار پژوهشی است که به روش نمونه‌گیری اشباع نظری انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پژوهشگران در این عرصه قائل به دو خوانش از شبکه اجتماعی فیس‌بوک هستند که در دو تیپ آرمانی مخالفان و موافقان قرار می‌گیرند. نگارندگان مقاله برآنند که می‌توان از استدلال‌های پژوهشی صورت گرفته در این مقالات پژوهشی فراتر رفت و خوانشی مشروط از فضای مجازی به مثابه حوزه عمومی داشت.

واژگان کلیدی:

حوزه عمومی، تحلیل متن، شبکه‌های اجتماعی، وضعیت آرمانی گفتار، کنش ارتباطی.

۱- عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه کاشان niazim@kashanu.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان؛ نویسنده مسئول sarhadi1368@gmail.com
۳- دانشجوی دکتری ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی s.moradi66@gmail.com
۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان.

مقدمه و طرح مساله

فضای مجازی، مجال شکل‌گیری اجتماعات جدید کاربران را فراهم می‌کند. از زمان تونیس^۱ و تلاش او برای تعریف دو گونه تجمع انسانی یعنی "اجتماع" در مقابل "جامعه" (گزلشافت^۲ و گمن شافت^۳)، همه متفکران علوم اجتماعی و فرهنگی، رو در رو بودن، محدودیت تعداد و ابتناء بر روابط عاطفی و نه روابط عقلانی را از خصایص بنیانی اجتماع عنوان کرده‌اند (برای نمونه نک به: تونیس، ۱۳۸۱؛ دورکیم، ۱۳۹۱). هرچند روابط میان کاربران فضای مجازی، رابطه‌ای با واسطه و نه رو در رو است، اما این روابط دارای برخی از ویژگی‌های اجتماع از جمله همزمانی ارتباط هستند. بخشی از این فضای مجازی گسترش یافته، شبکه‌های اجتماعی مجازی است؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی امروزه به بخشی حذف‌ناشدنی از زندگی انسان مدرن تبدیل شده‌اند که بر بسیاری از جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی وی تاثیرگذار بوده و تغییراتی را در ساحت‌های گوناگون زندگی اجتماعی ایجاد کرده است. شبکه اجتماعی مجازی مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید جستجو کنند. بر اساس تعریفی دیگر، شبکه‌های اجتماعی، خدمات آن‌لاینی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین نمایه‌ی شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند (رسولی و بندگی منفرد، ۱۳۹۳). از این طریق، افراد می‌توانند ارتباطشان با دیگران را حفظ کرده و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند. شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند.

از سویی دیگر، پروژه هابرماس^۴ شامل بازسازی و دفاع از وعده‌های اصلی عقلی روشنگری یعنی خودفهمی و استقلال و رهایی است (هابرماس، ۱۳۸۴). به نظر هابرماس، باید از عقل نه فقط در برابر نیروهای عقلانی شدن و افسون زدایی و هم‌شکلی و نظم، بلکه در برابر واکنش‌های غیرعقلانی یعنی نسبی‌گرایی، نیهیلیسم، لذت‌گرایی و رمانتیسم دفاع کرد (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۶؛ همچنین بنگرید به هابرماس، ۱۳۹۰؛ سیدمن، ۱۳۹۰؛ ریتزر، ۱۳۹۰؛ استونز، ۱۳۹۰؛ بشیریه، ۱۳۹۱؛ نش، ۱۳۹۲؛ اوث ویت، ۱۳۹۳؛ اباذری، ۱۳۹۲؛ احمدی، ۱۳۸۶؛ هولاب، ۱۳۸۶؛

1- Ferdinand Tönnies

2- Gesellschaft

3- Gemeinschaft

4- Habermas

پیوزی، ۲۰۰۳؛ کالهن، ۱۹۹۲؛ اسینگ وود، ۲۰۰۰). هابرماس مفهوم حوزه عمومی^۱ را که برگرفته از نوشته‌های متأخر هورکهایمر بود، به‌عنوان فضایی که در آن نهادهای فرهنگی^۲ به‌عنوان واسطه بین افراد و دولت وجود دارند، مطرح کرد و نیز به‌عنوان فضای بین علایق شخصی (خصوصی) و قدرت جمعی‌اند، به‌کاربرده است (و تعریف می‌کند). هابرماس، در کتابش دگرگونی ساختاری حوزه عمومی^۳ (۱۹۹۲) بنیان‌های حوزه عمومی در قرن ۱۸ و ۱۹ در فرهنگ بورژوازی^۴ در نهادهای فرهنگی‌ای از قبیل کافه‌ها، محافل ادبی، سالن‌ها که طبقه‌ی متوسطی را تشکیل می‌دادند که پیرامون مسائل عمومی دور هم جمع می‌شدند و به‌صورت باز و آزاد بحث می‌کردند، مطرح نمود. به عبارتی دیگر، حوزه عمومی به‌عنوان قلمرو خاص زندگی اجتماعی (زیست اجتماعی)^۵ که در آن افکار عمومی شکل گرفته‌اند، تعریف می‌شود که در آن توافق و اجماع برای همه شهروندان^۶ تضمین شده است (اسوینگ وود^۷، ۲۰۰۰: ۲۰۶). به نظر هابرماس، مهم‌ترین نقش را در حوزه عمومی، نشریه‌ها و روزنامه‌ها داشتند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۹۰). در حوزه عمومی، اظهارنظرها و گفته‌ها برحسب موضوع و نقش دسته‌بندی می‌شوند و وزن و ارزش این نقش‌ها بر مبنای پاسخ‌های منفی یا مثبتی که دریافت می‌کنند، سنجیده می‌شود (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۹).

با توجه به موارد فوق، سؤال اساسی که این مقاله به آن پرداخته است عبارت از این نکته است که پژوهشگران داخلی چگونه فضای موجود در شبکه‌های مجازی را تحلیل کرده‌اند و تا چه حد استدلال‌های مطرح‌شده منطبق با استدلال‌های نظری و پژوهشی متقن است؟ و اینکه، چگونه می‌توان خوانشی هابرماسی از فضای مجازی ارائه نمود؟

پیشینه تاریخی مفاهیم

کاستلز^۸، شبکه را مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته تعریف می‌کند. نقطه اتصال یا گره نقطه‌ای است که در آن یک منحنی، خود را قطع می‌کند. اینکه نقطه اتصال چه چیزی است مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد. کاستلز این فرضیه را پیش می‌نهد که جامعه‌ی شبکه‌ای، یعنی ساختار اجتماعی غالب و مسلط در عصر اطلاعات در حول شکل‌های نوین زمان و فضا سازمان می‌یابد. منظور کاستلز از زمان بی‌زمان و بکار گرفتن بی‌وقفه و مداوم فناوری اطلاعاتی-ارتباطاتی نوین برای از میان برداشتن زمان، برای فشردن سال‌ها و تبدیل آن‌ها

1- public sphere

2- cultural institutions

3- The Structural Transformation of the Public Sphere

4- bourgeois culture

5- 'the realm of social life

6- citizens

7- Swingewood

8- . Manuel Castells

به دقیقه‌ها و فشردن دقیقه‌ها به آن و لحظه است (کاستلز، ۱۳۸۴). شبکه اینترنت و ارتباط به واسطه رایانه، امکان تغییر شکل تار و پود فرهنگ را فراهم می‌آورد. کاستلز برخلاف منتقدان که به توسعه پیش‌رونده و بازدارنده سرمایه‌داری، کالایی‌شدن روزافزون فرهنگ و نظارت و مراقبت دخل و تصرف فزاینده اشاره می‌کنند، در وسایل و رسانه‌های جدید ارتباطی، امکانات و قابلیت‌هایی نو و دموکراتیک برای ارتباطات و مشارکت می‌بیند. به نظر او، این امکانات و قابلیت‌ها، توان و ظرفیت بالقوه ایدئولوژی غالب را برای اعمال سلطه محدود می‌سازد. در عوض، افراد قادر خواهند بود که جهان‌های مجازی خود را بسازند که بنای دموکراتیک‌شدن تصویرها و باورها را می‌سازد (کاستلز، ۱۳۸۴).

هابرماس با رد نظریه حقیقتِ رونوشت‌برداری شده از واقعیت، نظریه حقیقتِ توافقی (تناظری)^۱ را پیش می‌نهد؛ همچنان که مارکس ساختارهای اجتماعی تحریف‌کار را مورد بررسی قرار داده بود، هابرماس نیز به آن ساختارهای اجتماعی توجه دارد که ارتباط را تحریف می‌کند (ریترز، ۱۳۹۰: ۲۱۲). نقطه پایان فراگرد تکاملی مورد نظر هابرماس، یک جامعه عقلانی (مبتنی بر کنش ارتباطی) است؛ در اینجا، عقلانیت به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کند، اما به معنای کلی‌تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند (همان: ۲۱۴). هدف هابرماس از ارائه این نظریه را می‌توان تئوریزه کردن بنیان‌های جامعه برابر و آزاد، در قامت آن چیزی است که خود وی موقعیت آرمانی گفتار^۲ می‌نامد (نش، ۱۳۹۲؛ سیدمن، ۱۳۹۰). افرادی که بر اساس کنش ارتباطی عمل می‌کنند، ارتباطشان با یکدیگر در چارچوب وضعیتی اتفاق می‌افتد که خود، آن را بر مبنای تفسیرهای بین‌الذهانی خلق کرده‌اند. به عبارتی دیگر، ارتباطی که کنشگران در آن یکدیگر را صرفاً به مثابه یک شیء در نظر نگیرند، بلکه موضع دوم شخص اختیار کنند و به‌طور متقابل برای یکدیگر آزادی ارتباطی قائل باشند، ارتباطی است که در فضایی عمومی-که به شیوه‌ی زبانی برساخته شده- شکل می‌گیرد (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). وی برای کنش ارتباطی مبتنی بر فهم در موقعیت آرمانی گفتار، چهار پیش‌شرط شامل قابلیت درک^۳، حقیقت عینی^۴، سلامت اخلاقی^۵ و خلوص^۶ (صداقت) را مطرح نموده است (نش، ۱۳۹۲؛ ریترز، ۱۳۹۰). به عبارتی دیگر، همچنان که اوث ویت (۱۳۹۳) می‌گوید، ما فرض می‌کنیم که هر کس که به طور جدی صحبت می‌کند (یا می‌خواهد کنش ارتباطی مبنی

-
- 1- . Correspondance Theory of Truth
 - 2- . Ideal-speech situation
 - 3- . Comprehensibility
 - 4- . Objective truth
 - 5- .Moral correctness
 - 6- Sincerity .

بر تفاهم داشته باشد) می‌تواند به این سؤالات پاسخ دهد: (۱) منظور شما چیست؟ (۲) آیا چیزی که شما می‌گویید حقیقت دارد؟ (۳) آیا شما در گفتن آن مُحق هستید؟ (۴) آیا شما واقعاً به آن اعتقاد دارید؟

هابرماس در آراء اولیه‌اش (با تأسی از نظریه پردازان فرانکفورتی همچون مارکوزه^۱ و دیگران) نسبت به رسانه‌های جمعی به مثابه ویران‌کننده حوزه‌ی عمومی پافشاری می‌نمود، اما در آراء متأخر خود بر ابعاد مثبت و بازسازنده این رسانه‌ها در ایجاد و تقویت حوزه‌ی عمومی (به‌عنوان فضای ساخت‌یافته و ساخت‌دهنده کنش ارتباطی) تأکید دارد (میلنر، ۱۳۹۲). به بیان هابرماس، این حوزه‌های عمومی (فضای ساخت‌یافته) هنوز بر مکان‌های انضمامی متکی هستند که حضار یا مخاطبان در آن‌ها حضور فیزیکی دارند. هر اندازه وابستگی این حوزه‌های عمومی به حضور فیزیکی کم‌تر شود و بر حضور مجازی خوانندگان، شنوندگان و بینندگان پراکنده‌ی رسانه‌های همگانی مبتنی گردند، به همان اندازه آن نوع از انتزاع که هنگام تبدیل ساختار مکان‌مند تعاملات معمولی به یک حوزه عمومی پدید می‌آید، بارزتر و برجسته‌تر می‌شود (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

روش تحقیق

تحلیل متن به معنای تکنیک‌های زبان‌شناختی، آماری و نرم‌افزاری است که محتوای اطلاعات منابع متنی، هوش تجاری، تحلیل اکتشافی داده، پژوهش و تحقیق را مدل‌سازی می‌کنند و می‌سازند. در سال ۲۰۰۴ رونن فلدمن^۲ واژه متن‌کاوی را مترادف با تحلیل متن اعلام کرد. تحلیل متن به معنای خوانش ساختارمند منابع متعدد برای کشف و دستیابی به یک سیستم معنایی مشخص است (آنوگبازی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲). بدین منظور، پس از جستجو در میان پایگاه‌های علمی داخلی و بررسی‌های اسنادی از نظریه‌ها و مفاهیم موجود در زمینه شبکه‌های اجتماعی و حوزه عمومی در نظریه یورگن هابرماس، نُه کار پژوهشی، مورد خوانش و تفسیر دقیق قرار گرفتند. جدول شماره (۱)، نشانگر مشخصات پژوهش‌های مورد تحلیل هستند.

1- Herbert Marcuse

2- Ronen Feldman

3- Anthony Onueghbuzie

جدول شماره (۱)، مشخصات مقاله‌های مورد تحلیل

ردیف	نویسنده (گان)	عنوان پژوهش
۱	میناوند (۱۳۸۵)	اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک
۲	گل محمدی (۱۳۸۶)	گفتگو در دنیای مجازی (تأثیر فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی بر گفتگو میان فرهنگ‌ها)
۳	میناوند (۱۳۸۷)	مقدمه‌ای بر اینترنت و توسعه سیاسی (حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک)
۴	رجبی (۱۳۸۹)	بازنمایی گرایش‌های سیاسی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با مطالعه موردی فیسبوک
۵	سعیدی مقدم (۱۳۹۰)	بررسی تعامل کنشگری در حوزه عمومی مجازی و واقعی در بین دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا
۶	یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۲)	حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی
۷	سید علوی و نقیب‌السادات (۱۳۹۱)	حوزه عمومی در فضای مجازی: مؤلفه‌های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران
۸	معمار، عدلی‌پور و خاکسار (۱۳۹۱)	شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)
۹	یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۲)	تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیسبوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این مطالعه حاضر با توجه با هدف و پرسش‌های بنیادین پژوهش و با استفاده از روش تحلیل متن، در قالب دو نوع سنخ (گونه) تحلیلی مخالفان و موافقان خوانش شبکه‌های اجتماعی به مثابه حوزه‌ی عمومی هابرماسی، در زیر به تفصیل ارائه می‌شود.

الف) مخالفان:

گل محمدی (۱۳۸۶)، در مقاله خود با عنوان گفت‌وگو در دنیای مجازی (تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی-اطلاعاتی بر گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها)، با بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی-اطلاعاتی بر گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها در حوزه عمومی مجازی، با استفاده از روش اسنادی استدلال نموده است که با اینکه ارتقای امکان برقراری ارتباط و دادوستد اطلاعات، امکان گفت‌وگو را ارتقاء می‌دهد، اما به علت توزیع نابرابر امکان‌های مرتبط و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی، محدود و مخدوش کننده آن نیز هست. گل محمدی پس از تعریف فضای مجازی و برابر نهاد کردن آن با حوزه عمومی مجازی و تعریف گفتگوی میان فرهنگ‌ها، عوامل محدودکننده و مانع گفتگو در فضای مجازی را این‌گونه دسته‌بندی می‌کند: (۱) عواملی که دسترسی و ورود به حوزه عمومی را محدود می‌کنند (پیش‌نیازهای گفتگو) که شامل الف) امکانات و ابزارهای لازم برای ورود، ب) پیش‌نیازهای مهارتی ورود که عدم دسترسی همگانی به این دو مورد، فضای مجازی را به فضایی متعلق به نخبگان و

زمینی برای بازی ثروتمندان تبدیل کرده و موجب شده است تا حوزه عمومی مجازی به فضایی مبدل شود که بخش عمده‌ای از آن را فرهنگ‌های خاصی اشغال می‌کنند و بسیاری از فرهنگ‌ها در حاشیه آن قرار می‌گیرند و یا اصلاً نمی‌توانند به درون آن راه یابند. ۲) عواملی که از گفتگویی که منجر به آگاهی فرهنگی، نقدپذیری و آمیزش فرهنگی شود، جلوگیری می‌کنند (خود گفتگو) که شامل: عوامل محدود و مخدوش‌کننده خود گفتگو شامل: الف) تنوع‌گریزی، ب) وجود نوعی اضطراب و همزمان بودن ارتباط و ج) آزادی بیش از حد که منجر به ناشناختگی، ردیابی ناپذیری نسبی و رهایی از مجازات است.

هم‌چنین رجبی (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه خود تلاش کرده است به این پرسش پاسخ دهد که آیا در دوران مبارزات انتخاباتی دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، حوزه عمومی مورد نظر هابرماس در ایران شکل گرفت و در آن زمان کاربران مختلف فیس‌بوک، چگونه گرایش‌های سیاسی خود را ابراز می‌کردند. نویسنده یکی از دلایل عمومیت یافتن اینترنت و استفاده فراوان از شبکه‌های اجتماعی در ایران را، تلاش برای بازسازی و خلق مجدد هویت‌ها در فضای مجازی دانسته و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه آنلاین، عمده دلایل خودگشودگی کاربران ایرانی فیس‌بوک در دوران انتخابات ۸۸ را دسترسی سریع و آسان و بدون هزینه، فیلتر نبودن، نبود رسانه‌های آزاد و منتقد، کنترل کمتر این رسانه، امکان درج نظر و اخبار در هر لحظه و امکان مشاهده انعکاس نظرات کاربران، نداشتن مخاطرات و هزینه‌های بحث‌های رودررو و استفاده از امکانات فضای مجازی برای جذب طرفداران در انتخابات بیان کرده است. وی اینترنت را اولین حوزه عمومی جدی برای جامعه ایران نه به معنای هابرماسی آن، بلکه به معنای عرصه‌ای برای شکل‌گیری و گسترش و تقویت روابط و مناسبات افراد با یکدیگر بیان نموده است.

علاوه بر آن، سعیدی مقدم (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود، ضمن استفاده از روش پیمایش، رویکردی منفی نسبت به ایده فضای مجازی به مثابه‌ی حوزه‌ی عمومی اخذ نموده و بر این باور است که حوزه عمومی در ایران با مشکل مواجه است و طرح آزادانه، نقادانه و منطقی دیدگاه‌ها و نظرات عمومی بر تصمیمات سیاسی به سادگی امکان‌پذیر نیست. وی اینترنت را به عنوان یک ابزار حوزه عمومی، به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون همزمان بودن، تعاملی بودن و سانسورگریزی، دارای شرایط مناسب برای ارتباطات حوزه عمومی می‌داند. نتیجه مهم این تحقیق، این است که بین میزان کنش‌گری دانشجویان در حوزه عمومی مجازی و واقعی، بر اساس متغیرهای عضویت در تشکل‌های دانشجویی و آگاهی سیاسی-اجتماعی، رابطه معناداری پیدا نمی‌شود، که این خود تأکیدی بر رویکرد منفی مقاله است.

سید علوی و نقیب‌السادات (۱۳۹۱) نیز با استفاده از روش پیمایش به بیان مؤلفه‌های شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران

پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که از دیدگاه کارشناسان، سه متغیر مستقل حوزه عمومی (دسترسی، گفتگو و کنش عمومی) در فضای مجازی شکل گرفته و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از مصادیق حوزه عمومی در فضای مجازی هستند. مؤلفین بر این باور هستند که نظریه حوزه عمومی قابل به کارگیری در حوزه فضای مجازی است، اما ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی، حوزه عمومی را فضایی متکثر و چندپاره ساخته که با مدل سنتی حوزه عمومی متفاوت است. این مقاله نیز مانند پژوهش‌های پیشین ادعا می‌کند که فضای مجازی ایرانی دارای دو ویژگی دسترسی و کنش عمومی است، اما به دلیل عدم رعایت قواعد گفتگو، نمی‌توان آن را یک حوزه عمومی هابرماسی دانست.

یزدخواستی، عدلی‌پور و کیخائی (۱۳۹۲)، با مقاله «حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها)»، با رویکردی منفی و انتقادی به شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته‌اند. این مقاله بر این فرض استوار است که علی‌رغم اینکه این شبکه‌ها با فراهم کردن امکانات بی‌سابقه‌ای برای بازتولید بی‌هزینه، پخش یا انتشار همزمان و تمرکززدایی بنیادی، حوزه عمومی و گفتگو میان فرهنگ‌ها را بیش از پیش آسان می‌کنند، اما این شبکه‌های اجتماعی، گفتگو میان فرهنگ‌ها را مخدوش می‌کنند. آنان با تعریف فضای سایبری، فضای مجازی را حوزه عمومی مجازی می‌دانند که با حوزه عمومی واقعی متفاوت است. سپس با تشریح ویژگی‌های حوزه عمومی هابرماس و مؤلفه‌های اساسی آن (گفتگو، افکار عمومی و واکنش)، مانند گل‌محمدی (۱۳۸۶)، دو دسته عوامل را برای مخدوش کردن حوزه عمومی توسط فضای سایبری برمی‌شمرند:

عواملی که دسترسی به فضای مجازی را محدود می‌کنند (پیش‌نیازها).

عواملی که از شکل‌گیری گفتگوی حقیقی جلوگیری می‌کنند (خود گفتگو).

مورد اول که پیش‌تر ذکر شد و عوامل دسته دوم نیز شامل تنوع‌گریزی، وجود اضطرار، آزادی بیش از حد و مسئولیت‌ناپذیر است که مجموعه‌ی این عوامل، گفتگو و در نتیجه حوزه عمومی را مخدوش می‌کنند.

یزدخواستی و عدلی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله دیگری تحت عنوان «تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس»، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، این‌گونه استدلال می‌کنند که فیس‌بوک گرچه ظرفیت‌هایی برای احیای حوزه عمومی را داراست، اما در عمل نتوانسته است حوزه عمومی ایجاد کند.

(ب) موافقان:

میناوند (۱۳۸۵) در مقاله خود، با اتکاء به اطلاعات بین‌رشته‌ای (علوم سیاسی و علوم ارتباطات)، با استفاده از روش اسنادی، موافقت خود با فضای سایبرنتیک به مفهوم حوزه عمومی هابرماس

را ابراز نموده است. میناوند پس از بررسی کارهای نظری و پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر معتقد است مفهوم حوزه عمومی از نظر اکثر محققان الگوی نظری مناسبی است، لیکن به جز موارد معدودی، همه نویسندگان این الگو را نیازمند جرح و تعدیل و یا تطبیق با شرایط خاص ارتباطات رایانه‌ای و تحولات اخیر در جوامع گوناگون می‌دانند. در این مطالعه، به دیدگاه آدام لیک اشاره شده است که هدف اصلی دموکراسی را دسترسی مردم به قدرت سیاسی و امکان کنترل آن دانسته و یکی از راه‌های تحقق این مهم را، دسترسی بیشتر مردم به اطلاعات می‌داند. میناوند با اشاره به ویژگی‌هایی نظیر تعاملی بودن، همزمانی ارتباط، فراگیر بودن و متمرکز نبودن، اینترنت را از سایر رسانه‌های جمعی متمایز می‌کند و با مرور تحقیقات انجام شده در این گستره بر اساس مدل حوزه عمومی هابرماس، ابتدا حوزه عمومی را تعریف نموده و سپس شرایط عام گفتگو و اخلاق گفتگو در این حوزه را برشمرده است. شرایط عام گفتگو در حوزه عمومی شامل موارد زیر است: الف) شکل و محتوای گفتگو باید عقلانی-انتقادی باشد، ب) در حوزه عمومی تنها درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفتگو انجام شود و طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست، ج) شرکت‌کنندگان باید همه تفاوت‌ها و تمایزات میان خود را نادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفتگو مشارکت نمایند، د) فرایند گفتگو محدود به شکل‌گیری افکار عمومی است و هرگز نمی‌تواند به تصمیم‌سازی‌های عملی و اداری منتهی شود، ه) یک حوزه عمومی یکپارچه، که رسیدن به توافق در آن امکان‌پذیر باشد، همیشه بر تنوع و تعدد حوزه‌های عمومی ترجیح دارد. به نظر محقق مذکور، اخلاق گفتگو در حوزه عمومی در راستای تحقق «وضعیت آرمانی سخن» نیز از این قرار هستند: ۱) هر کسی که توانایی سخن گفتن و عمل را داشته باشد حق مشارکت در گفتگو را دارد، ۲) هر کسی حق دارد که درباره هر موضوع عمومی پرسش کند، ۳) هر کسی حق دارد هر موضوعی را در گفتگو مطرح نماید، ۴) هر کسی حق دارد که نگرش‌ها، خواسته‌ها و نیازهای خود را بیان کند و ۵) هیچ‌گونه ابزاری نباید به علت اجبار درونی یا بیرونی از اعمال حقوقش در موارد اول و دوم منع گردد. نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که مفهوم حوزه عمومی را نمی‌توان بدون ارجاع آن به چارچوب کلی نظریات هابرماس و ارتباط آن با نظریه کنش ارتباطی، اخلاق گفتگو و وضعیت آرمانی گفتگو دریافت. وی، در ادامه با بررسی تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه که منبعی مناسب برای آشنایی با پیشینه خارجی این تحقیق است، موافقت خود را با ایده اصلی نظریه کنش ارتباطی به شرط در نظر گرفتن چارچوب کلی این نظریه و تمایز زیست‌جهان و سیستم در نظریه جامعه‌شناسی هابرماس، اعلام می‌کند.

میناوند (۱۳۸۷) به تکمیل و اصلاح مقاله اول خود پرداخته و معتقد است استفاده از مدل حوزه عمومی بدون مراجعه به نظریه کنش ارتباطی ممکن نیست. از نظر او این توصیه هابرماس از جانب محققین رعایت نشده است، زیرا آن‌ها همواره تمایل بسیاری به بهره‌گیری از مفهوم حوزه

عمومی در تحلیل و تبیین ارتباطات سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. مفهوم حوزه عمومی نزد هابرماس حداقل شامل دو عنصر دسترسی تضمین شده همگان به حوزه عمومی و گفتگوی همگانی عقلانی-انتقادی در راستای شکل‌گیری افکار عمومی است. مورد اول را می‌توان از چهار جنبه‌ی دسترسی به اطلاعات، دسترسی به رسانه، دسترسی به دیگران و دسترسی به حوزه سیاسی بررسی کرد. نویسنده، همچنین وجود نگرش خنثی را به دو رویکرد مثبت و منفی موجود درباره‌ی ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی اینترنت، می‌افزاید.

در مجموع، خلاصه مباحث دو گروه موافقان و مخالفان شبکه اجتماعی به عنوان فضای عمومی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره (۲)، خلاصه پیشینه تجربی موافقان و مخالفان

ردیف	نویسنده (گان)	عنوان	روش تحقیق	دیدگاه پژوهشگران
۱	میناوند (۱۳۸۵)	اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک	مروری	موافق
۲	گل محمدی (۱۳۸۶)	گفتگو در دنیای مجازی (تأثیر فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی بر گفتگو میان فرهنگ‌ها)	اسنادی	مخالف
۳	میناوند (۱۳۸۷)	مقدمه‌ای بر اینترنت و توسعه سیاسی (حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک)	مروری	موافق
۴	رجبی (۱۳۸۹)	بازنمایی گرایش‌های سیاسی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با مطالعه‌ی موردی فیس‌بوک (پایان‌نامه و مقاله)	تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه آنلاین	مخالف
۵	سعیدی مقدم (۱۳۹۰)	بررسی تعامل کنشگری در حوزه عمومی مجازی و واقعی در بین دانشجویان دانشگاه بوعلی سینای همدان (پایان‌نامه)	پیمایش (پرسشنامه)	مخالف
۶	یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۲)	حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی	اسنادی	مخالف
۷	سیدعلوی و نقیب السادات (۱۳۹۱)	حوزه عمومی در فضای مجازی: مؤلفه‌های شکل‌گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران	پیمایش	مخالف
۸	معمار، عدلی پور و خاکسار (۱۳۹۱)	شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)	اسنادی	مخالف
۹	یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۲)	تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس	تحلیل محتوای کیفی	مخالف

نتیجه‌گیری

هدف از مقاله حاضر، مروری انتقادی بر مباحث تجربی مطرح شده ذیل عنوان ارتباط بین فضای مجازی به عنوان حوزه عمومی در معنایی هابرماسی است. سوالات بنیادین این پژوهش عبارت است از این که پژوهشگران داخلی چگونه فضای موجود در شبکه‌های مجازی را تحلیل کرده‌اند؟ تا چه حد استدلال‌های مطرح شده منطبق با استدلال‌های نظری و پژوهشی متقن می‌باشد؟ و اینکه، چگونه می‌توان خوانشی هابرماسی از فضای مجازی را ارائه نمود؟

در ارتباط با سؤال نخست، مرور و تفسیر کارهای پژوهشی به گونه مخالفان و موافقان ایده ارتباط فضای مجازی با حوزه عمومی هابرماس، نتایج نشان می‌دهد که از نه پژوهش انجام شده، هفت مورد مخالف ارتباط بین این دو بودند و دو مورد موافق ایده مذکور هستند. در گام بعدی مراد از حوزه عمومی باید مشخص شود. هابرماس یادآور می‌شود که حوزه عمومی، در قالب نظریه‌های جامعه‌شناختی متعارف نظم اجتماعی نمی‌گنجد. تردیدی نیست که نمی‌توان حوزه عمومی را یک نهاد یا یک سازمان دانست؛ حوزه عمومی حتی نظامی از هنجارها با توان‌ها و نقش‌های تفکیک‌شده، قواعد عضویت و غیره نیست. حوزه عمومی علاوه بر این‌ها، یک نظام نیست، به‌رغم آنکه می‌توان مرزهای درونی‌اش را ترسیم کرد (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۷)؛ و اینکه مشخصه اصلی حوزه‌ی عمومی، داشتن افق‌هایی متغیر، گشوده و نفوذپذیر است. توصیف شبکه‌های اجتماعی مجازی مشتمل شبکه‌ای برای تبادل اطلاعات و دیدگاه‌ها، یعنی افکاری که بیانگر نگرش‌های مثبت یا منفی هستند. مشخصه اصلی حوزه عمومی نوعی ساختار ارتباطی است (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۹). با توجه به این گزاره و استدلال‌های مطرح شده از سوی گل‌محمدی (۱۳۸۶)، رجبی (۱۳۸۹)، سعیدی‌مقدم و محمدی (۱۳۹۰)، سیدعلوی و نقیب‌السادات (۱۳۹۱)، معمار و دیگران (۱۳۹۱)، یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۲) به نظر می‌رسد که تحلیلی همراه با سوگیری (خواسته یا ناخواسته) از نظریه هابرماس انجام شده است؛ چراکه اولاً، آراء اولیه هابرماس را مورد تأکید خود قرار داده‌اند؛ دوماً، بیشتر حوزه عمومی را در معنای سیاسی و نه فرهنگی کلمه مورد تفسیر و ارزیابی قرار داده‌اند؛ سوماً آن‌چنان که باید به بررسی نظر هابرماس در مورد رسانه‌ها، نپرداخته و توان بسترمند کردن فضای کنش انسانی در نظریه وی را مورد غفلت قرار داده‌اند. اما در مورد موافقان مانند پژوهشی که میناوند (۱۳۸۵ و ۱۳۸۷) انجام داده است، لازم به ذکر است که بدون ارجاع به یافته‌های عینی و صرفاً با اتکاء به استدلال‌های پژوهشی دیگران و مرور آن‌ها نمی‌توان احکامی مبنی بر ارتباط بین این دو نظریه پیچیده داد. به عبارتی دیگر، می‌توان خوانشی هابرماسی از فضای مجازی در جامعه ایران ذیل نظریه حوزه عمومی وی، ارائه نمود، منوط به اینکه

پژوهش‌های تجربی (کمی، کیفی، تلفیقی) ارائه داد تا ادله‌های پژوهشی، به تعبیر پوپر^۱ موقتاً پذیرفته شوند.

در پاسخ به سؤال سوم مقاله حاضر، بایستی این نظر را مطرح نمود که به تعبیر یان کرایب^۲ (۱۳۹۲) از لحظه فوکویی هابرماس نیز می‌توان سخن گفت؛ بدین معنا که موقعیت آرمانی گفتار که عاری از دو عنصر مخرب کنش ارتباطی، یعنی پول و قدرت (ریتزر، ۱۳۹۰) را نمی‌توان نادیده گرفت، که به نظر فوکو^۳ در تمامی لایه‌ها و سطوح روابط انسانی در اپیستمه^۴ مدرن، توسط نظام قدرت-دانش تنیده شده است. به عبارت دیگر، مراقبت یا نظارت بر کنشگران که توسط سازمان‌های جهانی صورت می‌پذیرد را به مثابه جامعه سراسربینی که فوکو آن را ترسیم کرده بود، نمی‌توان نادیده گرفت. در این معنا، فضای مجازی در عین حالی که پتانسیل ایجاد و بسط یک فضای مبنی بر کنش ارتباطی با بنیان تسامح، مدارا، منطق، راستی‌آزمایی و در نهایت تفاهم را داراست، در سویی دیگر، پتانسیل ایجاد نظامی دامنه‌گستر در حوزه مراقبت و کنترل کنشگران فضای اجتماعی واقعی و مجازی را داراست.

1- . Karl Popper
 2- . Ian Craib
 3- . Michel Foucault
 4- . Episteme

منابع:

- ابادری، یوسف (۱۳۹۲)، خرد جامعه‌شناسی، تهران، تهران، طرح نو.
- احمدی، بابک (۱۳۸۶)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، مرکز.
- استونز، راب (۱۳۹۰)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، مرکز.
- اوث ویت، ویلیام (۱۳۹۳)، یورگن هابرماس، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران، آمه.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (جلد اول)، تهران، نی.
- جلایی پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۹۱)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران، نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۰)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.
- رجبی، زهره (۱۳۸۹)، بازنمایی گرایش‌های سیاسی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با مطالعه‌ی موردی فیس‌بوک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- رسولی، محمدرضا؛ بندگی منفرد، سعیده (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای مضامین فرهنگی و اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی (موردپژوهی: فیس‌بوک و جوانان شهر تهران)، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۳
- سعیدی مقدم، مه‌ری (۱۳۹۰)، بررسی تعامل کنشگری در حوزه عمومی مجازی و واقعی در بین دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۰)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.
- سید علوی، سید مسعود؛ نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۹۱)، حوزه عمومی در فضای مجازی: مؤلفه‌های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۷.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ج دوم، ترجمه احمد علیقلیان و حسن چاوشیان، تهران، طرح نو.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، گفت‌وگو در دنیای مجازی (تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی بر گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها)، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۴.
- میلنر، آندرو و جف براوویت (۱۳۹۳)، نظریه‌های فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران، ققنوس.
- میناوند، محمدقلی (۱۳۸۵)، اینترنت و توسعه‌ی سیاسی: حوزه‌ی عمومی در فضای

سایبرنتیک، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۲.

- میناوند، محمدقلی (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر اینترنت و توسعه سیاسی (حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک)، فصلنامه سیاست، شماره ۲.

- نش، کیت (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.

- هابرماس، یورگن (۱۳۹۰)، دگرگونی ساختاری در حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران، نی.

- هولاب، رابرت (۱۳۸۶)، یورگن هابرماس و نقد حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی.

- یزدخواستی، بهجت؛ عدلی‌پور، صمد؛ کیخانی، الهام (۱۳۹۲)، حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها)، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۵۳.

- یزدخواستی، بهجت؛ عدلی‌پور، صمد؛ سپهری، آسیه (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱.

انگلیسی:

- Calhoun, Craig(1992), Habermas and the Public Sphere, UAS, Massachusetts Institute of Technology.
- Onuegbuzie, Anthony.J; Leech, Nancy L; Colins, Kathleen M.T(2012), Qualitative analysis techniques fir the review of the literature, The qualitive Report, Volume 17, article56, p: 1-28.
- Pusey Michael(2003), Jurgen Habermas, USA and Canada, Taylor & Francis.
- Swingewood, Alan(2000), A Short History of Sociological Thought, London, Macmillan PressLtd